



A T I Y E N O

شناسنامه
P R O F I L E

- صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه (وابسته به سازمان تامین اجتماعی)
- سردبیر: زین‌نظر شوری‌سردبیری
- صفحه‌آرا: محمدرضای‌چی
- عکس: پروتو جغتایی
- ویراستار: کوروش اشرفی
- طراح: مهرناز منتظریان
- نشانی: میدان آرژانتین ، خیابان احمد قسیر خیابان دوازدهم، شماره ۲۲
- تلفن: ۰۲۱-۴۵۴۳۶
- تحریر به: داخلی ۱۳۸
- بازگانی: داخلی ۱۲۲

www.atiyeno.ir

کتاب
B 0 K

دربارهٔ تصحیح تازه‌ای از
«نفثه‌المصدر»

اندر مصائبِ حملهٔ مغول

«نفثه‌المصدر» یک کتاب به زبان فارسی است که توسط شهاب‌الدین زیدری نسوی، منشی سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه نوشته شده است. این کتاب دربرگیرنده شرح مصائبی است که در حملهٔ مغول به او روی آمد. نثر این کتاب نمونه‌ای از برتری در نثر فنی در سدهٔ هفتم هجری قمری محسوب می‌شود. موضوع اصلی این کتاب تاریخ ایران در دورهٔ حملهٔ مغول و فروپاشی حکومت خوارزمشاهیان است. نویسنده علاوه‌بر شرح تاریخی این دوره، به بیان احساسات خود دربارهٔ مخدوم جلال‌الدین خوارزمشاه نیز پرداخته است. شهاب‌الدین محمد نسوی، در سال ۶۲۱ قمری مأموریتی از جانب‌والی‌نسا (در خراسان) به‌دربار سلطان جلال‌الدین فرستاده شد و تا سال ۶۲۸ قمری، که در آن زمان جلال‌الدین درگذشت، در خدمت او بود. سپس در سال ۶۲۹ قمری در میافارقین اقامت کردو «نفثه‌المصدر» را در آن‌جا نوشت. نام کتاب از دو عبارتی اقتباس شده‌است که در خود کتاب آمده‌اند: «از نفثه‌المصدوری که مهجوری بدان راحتی تواند یافت چاره نیست.» و «بیا تا به سر نفثه‌المصدر خویش باز شویم که این مصیبت نه از آن قبیل است که بپکاء و عویل در مدت‌طویل حق آن‌توان گزارد.» اگرچه از این دو عبارت معلوم نمی‌شود که نفثه‌المصدر اسم دقیق این کتاب باشد، اما با توجه به این‌که معنای مجازی آن به شکایت از روزگار و شرح وقایع ناگوار وارده بر شخص و در واقع درددل است، نفثه‌المصدر نام مناسبی است که با موضوع کتاب هم ارتباط دارد. نفثه‌المصدوریکی از منابع مهم تاریخ دوران استیلای مغول است و مورخان همواره این کتاب را به‌همراه تاب «سیرت جلال‌الدین» از منابع تاریخ این دوران محسوب داشته‌اند. با توجه به این‌که این کتاب تاریخی از نوع کتب علمی محسوب می‌شودبه‌منظور تفهیم و تفاهم است و باید به شیوهٔ مرسل نوشته شود، اما نسوی این کتاب را به‌نثری مصنوع اما مؤثر و دلنشین نگاشته‌است.

وقایع ناگوار وارده بر شخص و در واقع درددل است، نفثه‌المصدر نام مناسبی است که با موضوع کتاب هم ارتباط دارد. نفثه‌المصدوریکی از منابع مهم تاریخ دوران استیلای مغول است و مورخان همواره این کتاب را به‌همراه تاب «سیرت جلال‌الدین» از منابع تاریخ این دوران محسوب داشته‌اند. با توجه به این‌که این کتاب تاریخی از نوع کتب علمی محسوب می‌شودبه‌منظور تفهیم و تفاهم است و باید به شیوهٔ مرسل نوشته شود، اما نسوی این کتاب را به‌نثری مصنوع اما مؤثر و دلنشین نگاشته‌است.



«نفثه‌المصدر»

نویسنده: شهاب‌الدین زیدری نسوی • مصحح: یاسر الدوند • ناشر: علمی • چاپ‌اول: ۱۴۰۴ • ۴۵۵ صفحه • ۷۰۰ هزار تومان



توجهی به گبه‌های «پرویز تناولی» در نمایشگاه «تا عرش»

سرگیجه‌تا عرش!

خورشید آزادی

طراح گرافیک

پوستر فیلم سرگیجهٔ آلفرد هیچکاک را دیده‌اید؟ عجیب نیست که پوستر یک فیلم‌تورابرای دیدن یک گالری وسوسه کند؟ با یکی از دوستانم که با هم زیاد فیلم می‌بینیم اما سرگیجه را هنوز ندیده‌ایم به‌نمایشگاه می‌رویم. وارد گالری «بی» که می‌شویم اولین چیزی که روبه‌رویمان قرار می‌گیرد فرشی‌ست آویخته بر دیوار، بی‌قاب و بی‌حاشیه. تنها کافی‌ست سه‌ثانیه به آن خیره شوی تا به درونش کشیده شوی. گودالی عمیق در مرکز فرش دهان باز کرده است. حاشیهٔ فرش که برای ما در کودکی جاده‌های خیالی ماشین‌بازی‌هایمان بودند از خط‌های موازی آرام‌آرام به‌دایره‌ای بزرگ و تودرتوبدل می‌شوند؛ درست مثل همان پوستر مشهوری که حرفش را زدم. زمینهٔ قرمز لاکی است، با نقوشی سنتی.

کنار اثر نام «پیژن قاسمی‌نژاد» نوشته شده. در استیتمنت نمایشگاه آمده‌است:

«فرش از دیرباز بستری برای رویاپردازی هنرمند شرقی بوده تا دنیای خیالی خود را در میان تار و پود، زیر پای انسان، به تصویر درآورد. هنرمندان ایرانی در قلمرو خیال خود، فرش را امکانی یافتند برای به تصویر کشیدن خشت به خشت جهان ایدئال خود که آن را با دیگران به اشتراک بگذارند.» از میان نام‌ها، «پرویز تناولی» بیش از همه نگاهم را می‌گیرد؛ چهار گبهٔ پشمی از مجموعهٔ بافته‌های مردم لرستان. نقوش ساده و هندسی، پر از رنگ و زندگی. اما آنچه مرا میخکوب می‌کند دو فرش است که برخلاف بقیهٔ فرش‌ها، هنرمند این اثر تاروپود پشت فرش را در یک قاب سیاه آمریکایی به نمایش گذاشته‌است. تاروپود خام، بی‌پیرایه، و درست در مرکز هر کدام تکه‌ای ورق طلا جاجوخ

کرده. نقوش قدیمی‌شان شاید به طرح‌های بختیاری یا همدان نزدیک باشد؛ مطمئن نیستم، اما تأثیرشان عمیق است. در تمام مدتی که فرش‌ها را نگاه می‌کنم، ناخودآگاه به‌دنبال توضیح و نوشته‌ای دقیق می‌گردم. شاید چون در کودکی هر بار به کاشان می‌رفتم، سرگرمی‌ام این بود که چند رج از قالی اقوام را می‌بافتم. برابم مهم است که طرح هر فرش را از دیگری بازشناسم، همان‌طور که سبک‌ها در نقاشی را. آنچه این‌جا آشکارا حس می‌شود، پیوندی است میان ریشه و امروز؛ فرش ایرانی، نمادی فرهنگی و هنری، که حالا در آینهٔ هنر مدرن انعکاس تازه‌ای یافته. ظرافت و صبوری بافندگان، در کنار جسارت نگاه معاصر، فرش را نه فقط زیر پا که در چشم و ذهن مخاطب زنده می‌کند—گویی تا عرش امتداد دارد.



نمایشگاه «تا عرش»

- نمایشگاه گروهی (پرویز تناولی، سیدمحمد اصصابی، رضا پناهی، محمود صالح‌محمدی، پیژن قاسمی‌نژاد، امیرموسی‌زاده‌وشادی‌پثربی)
- ۱۴۰۴ شهریور تا ۱۸ مهر • گالری بی



نگاهی به آلبوم «نخلستون»

پاسداشت هشت‌سال دفاع مقدس

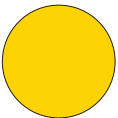
آلبوم «نخلستون» در راستای پاسداشت رشادت‌های رزمندگان در سال‌های دفاع مقدس و ارج نهادن به مقام شهیدای جنگ تحمیلی منتشر شد. این اثر شامل هشت قطعه با عنوان‌های «برات گریه کردم»، «قول دادی» و «سلام» (محمد اصفهانی)، «فانوس» (محمد معتمدی)، «آینه» (علی لهراسبی)، «خط لیخنه» (حجت اشرف‌زاده)، «خرمشهر» (محمود صالحی) و «نخلستون» (احمد آقایی) است. آلبوم «نخلستون» حاصل همکاری خلاقانهٔ گروهی از بهترین‌های موسیقی ایران است. بهروز صفاریان، آهنگساز نامی، ملودی‌های اثرگذار این آلبوم را خلق کرده‌است که با ظرافت و دقت تنظیم شده‌اند. هم‌چنین ترانه‌سرایان توانمندی همچون عبدالجبار کاکایی، امیرعلی سلیمانی و ندا جوادی، با سرودن اشعاری پرمحتوا و احساسی، عمق و معنای خاصی به هر قطعه بخشیده‌اند. این آلبوم شامل هشت قطعه موسیقی است که هر یک داستانی را در دل خود روایت می‌کنند.

آلبوم «نخلستون»

- آهنگساز: بهروز صفاریان
- خوانندگان: محمد اصفهانی، محمد معتمدی، علی لهراسبی، حجت اشرف‌زاده، محمود صالحی و احمد آقایی
- ناشر: بنیاد شهید و امور ایثارگران
- حدود ۲۸ دقیقه
- ۱۵۰ هزار تومان

• یک‌شنبه ۱۳ مهر ۱۴۰۴ • شماره ۴۹۸

فرهنگ
C U L T U R E



سیدمهرزاد موسوی

روزنامه‌نگار

دربارهٔ سریال‌های تاریخی که هم هویت‌سازند و هم می‌توانند درآمدزا باشند

سرمایه‌گذاری فراموش‌شده

در سال‌های اخیر، نفوذ شبکهٔ نمایش خانگی در بین مردم از صداوسیما بیش‌تر و عمیق‌تر شده‌است. این فضا به تولیدکنندگان امکان داده تا موضوعاتی را که در تلویزیون کم‌تر مجال بروز می‌یابند، در قالب آثار متنوع به مخاطب عرضه کنند. یکی از حوزه‌هایی که هنوز در نمایش خانگی آثار کم‌شماری دارد، ساخت سریال تاریخی ایرانی است؛ حوزه‌ای که می‌تواند هم ظرفیت هنری بالایی داشته باشد و هم بر آگاهی و هویت فرهنگی جامعه اثرگذار شود.

تولید سریال تاریخی به‌دلیل هزینه‌های بالای دکور، لباس، صحنه‌آرایی و تحقیق، برای پلتفرم‌های خصوصی که وابسته به بودجه‌های دولتی نیستند، گران و پریسک محسوب می‌شود و طبیعی است که جز برای رهایی از قید و بندهای داستانی (محدودیت‌های موجود برای تعریف قصه امروزی) سراغ این ژانر نروند. اما آیا انبوه نهاد‌های مسئول در حوزهٔ تاریخ و میراث فرهنگی و حتی آموزش و پرورش نباید بخشی از بودجه‌های فرهنگی خود را در چنین پروژه‌هایی سرمایه‌گذاری کنند؟

تجربه نشان داده که تأثیرگذاری یک سریال تاریخی -البته خوش‌ساخت و دراماتیک- بر ذهن و حافظهٔ جمعی مردم، بسیار بیش‌تر از کتاب‌های ویتروینی، بیلبردهای خیابانی یا همایش‌های رسمی است. تخصیص بودجه‌های فرهنگی به تولید چنین آثاری نه‌تنها اتلاف منابع نیست، بلکه سرمایه‌گذاری بلندمدت برای افزایش شناخت تاریخی جامعه و تقویت هویت ملی است.

نمونه‌هایی مانند سریال «جیران» که به روایت بخشی از زندگی ناصرالدین‌شاه و رابطه‌اش با جیران پرداخت، یا «خاتون» که با تمرکز بر دوران اشغال ایران در جنگ جهانی دوم تلاش کرانه تصویری تازه از آن مقطع تاریخی ارائه دهد، نشان دادند که مخاطب برای دیدن تاریخ از دریچهٔ روایت درام، علاقه و اشتیاق دارد. حتی سریال پرحاشیه و تازه‌پخش‌شده‌ای مثل «تاسیان» که در بستری تاریخی-اجتماعی روایت می‌شود، نشان می‌دهد ظرفیت‌های موضوعی تاریخ، چه در پرداخت عاشقانه‌ها و چه در بازآفرینی فضای اجتماعی گذشته، توان بالایی برای جذب تماشاگر دارند. استقبال از این آثار ثابت می‌کند که تاریخ، اگر در قالب داستانی جذاب روایت شود، می‌تواند مخاطب گسترده‌ای پیدا کند.

اما در بسیاری مواقع، موضوع اصلی، بحث درآمدزایی و بازگشت سرمایه مطرح می‌شود؛ آیا تنها راه بازگشت سرمایه در نمایش خانگی، اسپانسرینگ مرسوم است؟ نمایش خانگی می‌تواند از ظرفیت‌های متنوعی چون فروش بین‌المللی، حق پخش در پلتفرم‌های خارجی، عرضه در قالب استریم جهانی و حتی گردشگری تاریخی بهره‌ببرد. یک سریال تاریخی جذاب که روایتی منسجم و شخصیت‌پردازی قوی داشته باشد، نه‌تنها در ایران بلکه در بازارهای منطقه‌ای و جهانی هم مخاطب پیدا می‌کند. نمونه‌های موفق جهانی همچون «بازی تاج‌وتخت» یا سریال بریتانیایی «تاج» نشان داده‌اند که تاریخ -یا تاریخ بازآفرینی‌شده- تا چه اندازه می‌تواند به محصولی جهانی و درآمدزا تبدیل شود. بنابراین سرمایه‌گذاری در این حوزه می‌تواند بازگشت مالی فراتر از تبلیغات سنتی داشته‌باشد.

نمایش خانگی برخلاف تلویزیون، محدودیت‌ها و سانسورهای صداوسیمایی را ندارد. همین آزادی عمل می‌تواند به سازندگان کمک کند تا به نقاط مهم، جذاب و کمتر روایت‌شده تاریخ بپردازند؛ موضوعاتی که در چارچوب‌های سخت‌گیرانه تلویزیون یا به فراموشی سپرده شده یا سطحی بیان شده‌اند. نمایش خانگی می‌تواند امکان روایت‌های چندلایه، پرداخت به کاراکترهای خاکستری، و حتی بازخوانی انتقادی وقایع تاریخی را فراهم کند؛ امری که برای مخاطب امروز، به‌ویژه نسل جوان، جذاب و آموزنده خواهد بود.